

نقش حسابرسی داخلی بر رابطه بین عملکرد و بحران مالی در بانک‌ها، موسسات اعتباری، بیمه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری بورس اوراق بهادار تهران

زینب نوری فر^۱
آرزو سیدرضائی*^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱ تاریخ چاپ: ۱۳۹۹/۰۶/۲۴

چکیده

بحران مالی از این لحاظ برای نهادهای مالی حیاتی است که بتوانند با شناسایی عوامل موثر بر بحران مالی از وقوع آن جلوگیری کرده و نیز تصمیمات مناسبی جهت برون رفت از بحران بگیرند. بعد از وقوع بحران مالی اخیر، ناظران بانکی و بانکهای مرکزی به این نتیجه رسیدند که حاکمیت شرکتی ضعیف ممکن است نقش مهمی در افزایش ریسک‌پذیری نهاد مالی و در نتیجه گسترش بحران مالی داشته باشد. در این راستا بحران مالی بر اساس شاخص آلتمن در موسسات واسطه‌گر مالی مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش از جهت روش‌شناسی از نوع شبه تجربی و پس‌رویدادی و توصیفی و از حیث هدف کاربردی است. هدف این پژوهش بررسی نقش حسابرسی داخلی بر رابطه بین عملکرد و بحران مالی در ۴۱ موسسه واسطه‌گر مالی مانند بانک و بیمه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری در دوره مالی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ می‌باشد. تحلیل شواهد بر مبنای داده‌های پنلی نشان می‌دهد بین حسابرسی داخلی و بحران مالی رابطه منفی و معنادار و بین عملکرد و بحران مالی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و نقش حسابرسی داخلی بر رابطه بین عملکرد و بحران مالی نیز معنادار است.

واژه‌های کلیدی

حسابرسی داخلی، عملکرد مالی، بحران مالی، مدل آلتمن.

^۱ کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (zsha.1366@yahoo.com)

^۲ کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول:

a.s.rezaee93@gmail.com)

مقدمه

حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها و از جمله بانک‌ها یکی از مهمترین ابزارهای جلوگیری از فساد محسوب می‌شود. در صورت برقراری و اعمال مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی نظیر ایجاد کمیته‌های حسابرسی، کمیته ریسک، کمیته تطبیق و پاداش و دستمزد و استفاده از خدمات حسابسان داخلی و مستقل و همچنین حضور اعضای غیر موظف در هیات مدیره می‌توان سطح سیستم کنترل‌های داخلی موسسات مالی از جمله بانک‌ها را ارتقاء بخشید. اهداف حاکمیت شرکتی که مواردی نظیر شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و انصاف در رعایت حقوق همه ذینفعان می‌باشد از طریق اجرایی و نهادینه شدن مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در بانک‌ها محقق می‌گردد (حساس یگانه، ۱۳۸۷).

مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی منجر به گزارشگری صحیح و شفاف رویدادهای مالی، دسترسی سهامداران جزء به اطلاعات و نظارت بر عملکرد مدیریت اجرایی بانک‌ها خواهد شد. پاسخگویی که یکی از اهداف کلیدی در حاکمیت شرکتی محسوب می‌گردد موجبات مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مدیران شرکت در قبال عملکرد خود به سهامداران، مشتریان، کارکنان، دولت و ناظران خارجی شده و نقش قابل توجهی در کارآمدی و سلامت نظام بانکی ایفا خواهد نمود (حسینی‌نژاد، ۱۳۹۵).

در حاکمیت شرکتی تاکید ویژه‌ای بر استقرار نظام حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی شده و رابطه بین مدیران و حسابسان مستقل از طریق کمیته حسابرسی شکل می‌گیرد. پیاده‌سازی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند عزم جدی برای شفاف سازی و مبارزه با فساد را در نظام بانکی با خود به همراه آورد. در بحران اقتصادی اخیر موسسات واسطه‌گر مالی و از جمله مهمترین آن‌ها بانک‌ها، همانند سایر شرکت‌های بزرگ تولیدی و خدماتی در کانون بحران قرار داشته‌اند، بطوریکه این موضوع موجب ورشکستگی تعداد زیادی از بانک‌های جهان شده است. این موسسات بدلیل حضور در فعالیتهای اقتصادی و به واسطه نوع فعالیت خود در معرض انواع ریسک‌ها از جمله ریسک عملیاتی، ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک عدم تطابق سررسید دارائی‌ها و بدهی‌های عملیاتی و سایر ریسک‌ها قرار دارند (بهشتی لنگرودی، ۱۳۹۱).

عدم وجود سبد مناسب دارائی‌ها و بدهی‌های عملیاتی از نظر حجم، سررسید نرخ بهره به همراه افزایش هزینه‌های داخلی و عملیاتی و کاهش سود نقدی و عدم وجود سیستم مناسب برای کنترل ریسک و همچنین عدم کارآیی موثر مدیران و نیز سهم کم سرمایه بانک‌ها نسبت به حجم بدهی‌ها، جملگی خطرات بالقوه و بالفعل برای هدایت بانک‌ها به سمت بحران محسوب شده و بدیهی است؛ خطرات موصوف می‌بایست با استفاده از ابزارهای نوین مدیریتی و براساس ساختار و مکانیسم مناسبی مهار و کنترل گردند که یکی از ابزارهای معرفی شده در این خصوص براساس تجارب بین‌المللی استفاده از ساز و کارها و مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی است (حسینی‌نژاد، ۱۳۹۵).

بحران مالی ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸ شرق آسیا که بازارهای مالی و اقتصادی کشورهای عمده آسیایی را در بر گرفت، تنها به خاطر مدیریت نادرست اقتصاد کلان یا ضعف ساختارهای اقتصادی و یا شوک‌های شدید اقتصادی نبود، بلکه به عقیده بسیاری از تحلیل‌گران، عامل اصلی این بحران متأثر از ضعف حاکمیت شرکتی در میان بانک‌ها، مؤسسات پولی و مالی و شرکت‌ها بود (بهشتی لنگرودی، ۱۳۹۱).

حاکمیت شرکتی قوی در شرکت ها و از جمله بانک ها، مهمترین ابزار جلوگیری از فساد محسوب می شود. مطالعات صورت گرفته از کشورهای یاد شده نشان می دهد که با ضعف حاکمیت شرکتی، فساد مالی افزایش یافته و به دنبال آن سرمایه گذاری مستقیم داخلی و خارجی تنزل، مخارج دولت افزایش و رشد اقتصادی کاهش می یابد. با توجه به خطراتی که توقف و ورشکستگی بانک ها به عنوان اصلی ترین مؤسسات واسطه گر مالی برای اقتصاد کشور ایجاد می کند و به تعبیری آثار آن از جنگ مخرب تر و یک فاجعه برای اقتصاد کشور محسوب می شود (آدامز و مهران^۱، ۱۳۹۱).

ایجاد بحران موجب سلب اعتماد عمومی و هجوم سپرده گذاران به بانک ها برای بازپس گرفتن سپرده های خود می گردد. این موضوع می تواند ورشکستگی های سریع برای بانک ها را به همراه داشته باشد.

افزایش شدید اعتبارات و عدم تطابق سررسید دارایی ها و بدهی های عملیاتی، سرمایه گذاری های نامناسب و عدم نظارت و ضعف مقررات، ضعف کنترل های داخلی، ریسک عملیاتی بالا، ضعف در مدیریت نقدینگی، سرمایه گذاری های ضعیف و توجیه نشده، به کارگیری ضعیف حسابرسی و سوء مدیریت از جمله عوامل موثر در ایجاد بحران می باشند.

بحران بانکی موجب از بین رفتن اعتماد به نهادهای مالی، هجوم و فشار بانکی و ورشکستگی ایشان و در نتیجه پامال شدن حقوق کلیه ذینفعان این موسسات نظیر سهامداران، سپرده گذاران، اشخاص طرف قرارداد و حتی جامعه و دولت می گردد (مشیری و نادعلی، ۱۳۸۹).

هیأت مدیره در صورت آشنایی با ریسک های ذاتی مربوط به فعالیت ها و داشتن درک عمیق از کسب و کار آن، داشتن استقلال، داشتن توازن قوای مطلوب در سطح بدنه خود و عدم تسلط یک شخص خاص، استفاده از اعضای غیر موظف، استفاده از سیستم کنترل های داخلی مناسب و همچنین حسابرسان (اعم از مستقل و داخلی)، مدیریت ریسک های محیطی بانک (اعم از ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک های بازار، ریسک حقوقی، ریسک تمرکز و...)، حمایت از کلیه ذینفعان بانک می تواند تا اندازه بسیار بالایی مانع از عملکرد نامطلوب بانک گردیده و با مدیریت صحیح بر دارائیه و بدهی های عملیاتی، سرمایه گذاری ها، نحوه وصول مطالبات، سودآوری و بقا و ادامه فعالیت بانک را تضمین نماید. بدیهی است این روند تا اندازه قابل توجهی بانک را از ورود به عرصه بحران و غلطیدن در ورطه توقف و ورشکستگی مصون می نماید. ساز و کارهای موصوف که در واقع نتیجه اعمال حاکمیت شرکتی مناسب در محیط بانک محسوب می گردند نقش کلیدی در هدایت صحیح بانک ایفا می نمایند. (بهشتی لنگرودی، ۱۳۹۰)

پیشرفت سریع فناوری و تغییرات محیطی وسیع، شتاب فزاینده ای به اقتصاد بخشیده است. رقابت روزافزون بنگاه های اقتصادی دست یابی به سود را محدود و احتمال ورشکستگی را افزایش داده است. بدین ترتیب تصمیم گیری مالی نسبت به گذشته راهبردی تر شده است. تصمیم گیری در مسائل مالی همواره با ریسک و عدم اطمینان همراه بوده است. یکی از راه های کمک به سرمایه گذاران ارائه الگوهای پیش بینی درباره دورنمای کلی شرکت است، هرچه پیش بینی ها به واقعیت نزدیک تر باشد، مبنای تصمیمات صحیح تری قرار خواهند گرفت. بیور معتقد است: «پیش بینی بدون اخذ تصمیم امکان پذیر است ولی کوچک ترین تصمیم گیری را نمی توان بدون پیش بینی انجام داد». الگوهای پیش بینی ورشکستگی یکی از ابزارهای برآورد وضعیت آتی شرکت ها هستند. سرمایه گذاران و اعتباردهندگان تمایل زیادی برای برآورد

¹ Adams R. and Mehran H

پیش‌بینی ورشکستگی بنگاه‌ها دارند، زیرا در صورت ورشکستگی هزینه‌های زیادی به آن‌ها تحمیل خواهد شد. (عدنان^۱، ۲۰۰۲).

اهمیت اجرای این تحقیق آن است که به بررسی نقش حسابرسی داخلی بر رابطه بین عملکرد و بحران مالی شرکت‌ها می‌پردازد و نقش نظام کنترلی را بر این موضوع بررسی می‌کند مشخص شدن این روابط می‌تواند به تدوین و اصلاح آیین نامه و شرایط حاکمیت شرکتی در شرکت‌های مورد بررسی کمک نماید. هدف از اجرای این تحقیق آن است که به بررسی نقش حسابرسی داخلی بر رابطه بین عملکرد و بحران مالی موسسات واسطه گر پردازد.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

بانک‌ها واسطه‌گری‌های مالی هستند که اغلب تعهدات آن‌ها سپرده‌های کوتاه‌مدت و معمولاً دارایی‌های آن‌ها وام‌های پرداختی بلندمدت به کسب و کار و مصرف‌کنندگان است. زمانی که ارزش دارایی‌های آن‌ها کمتر از ارزش بدهی آن‌ها می‌شود، بانک‌ها فاقد توان پرداخت دیون یا درمانده هستند. ارزش دارایی‌های بانک ممکن است به دلیل عدم توانایی قرض‌گیرندگان یا عدم تمایل آن‌ها جهت پرداخت بدهی خود به بانک سقوط (ریسک اعتباری) کند. گاهی اوقات نیز حتی در شرایط عدم وجود افزایش در مطالبات معوق، اگر نرخ بازده دارایی‌های بانک کمتر از نرخ باشد که باید برای تعهدات پردازد، ترازنامه بانک می‌تواند در وضعیت نامطلوب قرار گیرد. نمونه متداول چنین مشکلی، افزایش نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت است که بانک‌ها را به افزایش نرخ بهره پرداختی به سپرده‌گذاران مجبور می‌کند (مشیری و نادعلی، ۱۳۸۹).

مورد دیگر بحران بانکی، متناسب نبودن نرخ بازده بر اثر تغییر در نرخ برابری ارز است. این مورد زمانی رخ می‌دهد که بانک‌ها به پول خارجی وام دریافت کنند و به پولی داخلی وام پرداخت کنند. زمانی که سپرده‌های بانکی بیمه نشده باشند، با نامطلوب شدن کیفیت سبد دارایی بانک ممکن است بانک با هجوم سپرده‌گذاران جهت برداشت سپرده‌ها قبل از ورشکستگی مواجه شود. خروج ناگهانی سپرده‌های بانکی با اثرات مشابه هجوم بانکی ممکن است پس از یک دوران ورود سرمایه خارجی کوتاه مدت رخ دهد، مانند تجربه کشورهای آمریکای لاتین، آسیا و اروپای شرقی در دهه ۱۹۹۰. در کشورهایی که بخش بانکی از آزادی عمل برخوردار است اما نظارت بانکی ضعیف باشد، بحران‌های بانکی ممکن است به دلیل چپاول گسترش یابد. در نهایت، دنیای مالی اخیراً با بحران نقدینگی بین بانکی ناشی از شکست اعتبارات سال ۲۰۰۷ که از آمریکا شروع شده و سپس به سایر کشورها سرایت کرد، مواجه شده است. در ابتدا این پدیده به عنوان یک بحران جدید شناخته شده بود (به دلیل نقش اوراق بهادار مشتقه)، اما در واقع این بحران برخی ویژگی‌های مشخصی را نشان می‌دهد (همان منبع).

همچنین، چندین کانال وجود دارد که از طریق آن‌ها ممکن است شوک‌های برونزای نامساعد وارد شده به اقتصاد، سبب کاهش اعتبار و فعالیت اقتصادی گردد، حتی در شرایطی که بخش بانکی نسبتاً در سلامت باشد. به طور مثال، شوک‌های نامساعد ممکن است سبب کاهش تقاضای کل شده و باعث شود بنگاه، تولید و سرمایه‌گذاری را قطع کرده و در نتیجه، تقاضای اعتباری کاهش یابد. همچنین افزایش نااطمینانی می‌تواند سبب شود بنگاه‌ها با تأخیر، به سرمایه‌گذاری و اتخاذ

¹Adnan

تصمیم های اخذ وام پردازند. در نهایت، شوک های نامساعد ممکن است مشکلات کارگزاری را بدتر کرده و روابط وام دهی را پیچیده کند (به طور مثال از طریق کاهش ارزش خاص وام گیرنده). به ترتیب این مسئله می تواند سبب شود بانک ها به وام گیرندگان با ریسک پذیری بالا وام ندهند (ترس از کیفیت) یا سودآوری وام دهی را افزایش دهند. بنابراین تولید و اعتبار بانکی ممکن است در دوران بحران بانکی تنزل یابد، حتی اگر اثر بازخوردی از بحران بانکی به میزان اعتبار، در دسترس وجود نداشته باشد (بهشتی لنگرودی، ۱۳۹۰).

با توجه به چالش های حقوقی و اقتصادی که بحران زدگی سیستم بانکی با خود به ارمغان می آورد و موجب از هم پاشیدگی و تسریع وخامت اقتصادی از جامعه ای به جامعه دیگر می گردد، ضرورت دارد که عوامل موثر و عمده ذی مدخل در توقف این موسسات شناسایی شده تا با کنترل آن ها از طریق سیاست های بهینه، امکان حفاظت از حقوق ذینفعان (اعم از سپرده گذاران، سهامداران، اشخاص طرف قرارداد و غیره) مهیا و آرامش اقتصادی جامعه فراهم گردد. بحران مالی ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸ شرق آسیا که بازارهای مالی و اقتصادی کشورهای عمده آسیایی را در بر گرفت، تنها به خاطر مدیریت غلط اقتصاد کلان یا ضعف ساختارهای اقتصادی و یا شوک های شدید اقتصادی نبود، بلکه به عقیده بسیاری از تحلیل گران، عامل اصلی این بحران متأثر از ضعف حاکمیت شرکتی در میان بانک ها، موسسات پولی و مالی و شرکت ها بود (بهشتی لنگرودی، ۱۳۹۰).

مطالعات مربوط به بحران ها و ورشکستگی های اخیر نشان می دهد که اگر شرکت ها نظام های مناسب کنترلی درباره مدیریت ریسک، استفاده از سامانه حسابرسی داخلی و تطبیق با مقررات و قوانین برای افزایش شفافیت صورت های مالی و گسترش فرهنگ پاسخگویی در بانک را به طور دقیق رعایت می کردند، می توانستند با شرایط بهتر و مطلوب تری در بحران خود را پیش برده و از خطرات احتمالی بحران و یا ورشکستگی مصون بمانند. نظام حاکمیت شرکتی فرآیندی است که می تواند تا حدود زیادی پاسخگوی نیازهای مدیران مؤسسات واسطه گر مالی از جمله بانک ها و ذی نفعان آن ها در مورد جلوگیری و یا کنترل بحران بوده و آن ها را در شرایط بحرانی یاری کند (همان منبع، ص ۶).

ارتباط حسابرسی داخلی با بحران مالی

بهبود فرایند مدیریت نهادهای سازمانی، با همه پیچیدگی اش مستلزم دانش و کاربرد اصول مدرن تر با هدف اطمینان از کارکرد درست نهادها از لحاظ عملکرد و رقابت پذیری می باشد. برای نیل به این هدف، لازم است شیوه های خوب مدیریت با آیت های جدید پر شده و در ساختارهای تابعی نهادها مفهوم سازی و اجرا گردند.

حسابرسی داخلی رویکرد سیستماتیک و منظم برای ارزیابی و بهبود اثربخشی مدیریت و کنترل ریسک را پوشش می دهد. حسابرسی فرآیندی پیچیده می باشد که با گزارشگری اثبات مواد برای استانداردهای خاص جهت تعریف یافته های زیر مبنای ایده و نقطه نظر انجام می شود؛ بنابراین یافته ها و توصیه های مطرح شده حاصل بررسی مالی داده ها و اطلاعات اثباتی می باشند.

در حقیقت، مسائل حسابرسی داخلی با چالش هایی در خصوص آنالیز و ارزیابی مدیریت از لحاظ سیستم و فرآیند، تامین بیمه در مورد درجه فعالیت های کنترل داخلی مواجه شده و در همان زمان توصیه هایی که منجر به بهبود موقعیت می گردند را ارائه می کند، این ارزیابی ها از حوزه های مختلفی تشکیل می شوند که در معرض حسابرسی بوده و در عوض

به اهداف و زیر اهدافی تقسیم می‌شوند که آن‌ها نیز تابع حسابرسی می‌باشند، از جمله این موارد می‌توان به فرآیندها، فعالیت‌ها یا عملیات‌های ابتدایی متمایز اشاره نمود.

نتایج حاصل از بحران مالی و اقتصادی جهانی نیاز به توجه بیشتر به واحد حسابرسی داخلی در سازمان‌ها را نشان می‌دهد و اهمیت این موضوع را در سازمانها بسیار افزایش داده است. حسابرسی داخلی به دلیل مهارت و تخصص نیروهای خود در موقعیت مطلوبتری برای ایجاد مشارکتی سازنده با تدوین ساختارهای مناسب و توسعه آموزش، حسابرسان را قادر به درک فرآیندهای تجاری تولیدی، خدماتی و مشارکت در امر بهبود آن کرده است و آنها به عنوان مسئول جهت نگهداری و بهبود مستمر محیط کنترلی و ایجادکننده فرصت مناسب برای ایفای نقشی فعال در گسترش مطلوب عملکرد در پی رسوایی‌های اخیر در حرفه حسابداری و حسابرسی است. توسعه مهارت‌های لازم جهت شناسایی خطرات اصلی، واحد حسابرسی داخلی را به عنوان یک عنصر اصلی در راه مبارزه با اثرات منفی بحران‌های مالی سازمان‌ها مربوط نموده و در این ارتباط حسابرسی داخلی در حال حاضر فرصتی برای تفسیر نقش خود در تدوین استراتژی مدیریت ریسک، به دست آورده است. (نیازی و همکاران ۱۳۹۱).

در اقتصاد جهانی حسابرسی به عنوان ابزاری برای مدیریت صحیح منابع اقتصادی عمل می‌کند. به علاوه، از آنجایی که حاکمیت شرکتی به عنوان نقش نظارتی ذینفعان در شرکت عمل می‌کند، در سال‌های اخیر در عمل و در تحقیقات آکادمیک به خاطر رسوایی‌های حسابداری و ورشکستگی شرکت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. می‌توان اذعان نمود که حسابرسی و حاکمیت شرکتی به عنوان دو عامل جلوگیری کننده از وقوع بحران مالی عمل می‌نمایند. (متوسل و توحیدی، ۱۳۹۱).

نشانه‌های بحران مالی اثر خود را بر حسابرسی داخلی جا گذاشته‌اند اما توجه به مسئولیتی که حسابرسان داخلی می‌توانند در قبال پیشگیری از بروز این بحران داشته باشند بسیار کم است. حسابرسی با سهمیم بودن در اعتبار اقتصادی نقشی حیاتی در عملکرد نهادها ایفا می‌نماید (همان منبع).

وجود حسابرسی داخلی برای تقویت حاکمیت شرکتی، ارتقا و قدرت بخشی سامانه کنترل داخلی، کمک به مدیریت ریسک راهبردی و اطمینان‌یابی از شفافیت در گزارشگری در سطح داخلی و در سطح برون سازمانی، ضرورتی انکارناپذیر است تعداد بندهای حسابرسی مربوط به تحریف‌های قانونی و مالیاتی و حسابداری کمتری در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند علاوه بر این در شرکت‌هایی که نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره بیشتر است میزان انحراف‌ها کمتر است؛ و عمده تحریف‌های مربوط به عدم رعایت قانون می‌باشد و اظهار نظر حسابرس مستقل در شرکت‌های فاقد حسابرس داخلی عمدتاً غیر مقبول می‌باشد (عبدلی و نادعلی، ۱۳۹۴).

ارتباط عملکرد با بحران مالی

صورت‌های مالی خلاصه معاملات و رویدادهای گذشته را نشان می‌دهد، در حالیکه تصمیم‌گیری مربوط به مسائلی می‌شود که با آینده در ارتباط است و در تجزیه و تحلیل مالی نیز فرض بر این است که گذشته، زمینه‌ساز آینده می‌باشد (آشوری، ۱۳۹۱). لذا تلاش‌هایی که در گذشته انجام شده مورد بررسی قرار گرفته و نتایج بدست آمده معیاری برای راهنمایی جهت اخذ تصمیمات آینده اسهت. موفقیت در تجزیه و تحلیل مالی، کاملاً به انتخاب صحیح نسبت‌های مالی مناسب توسط تحلیل‌گر بستگی دارد (صراف‌پور، ۱۳۹۴). نسبت‌های مالی یکی از ابزارهای مهم در پیش‌بینی

ورشکستگی شرکت ها محسوب می گردد. بر همین اساس محققین مختلف با استفاده از نسبت های مالی گوناگون به پیش بینی وضعیت مالی آتی شرکت ها پرداخته اند (کمالی، ۱۳۹۱). همچنین بر اساس فرض تداوم فعالیت، می توان درباره تئوری انتفاع استدلال کرد. انتظار سودهای آینده مدیران را تشویق می نماید که به آینده نگاه کنند و در سرمایه گذاری ایجاد انگیزه نموده تا سرمایه واحد اقتصادی را تأمین نمایند (ریاحی بلکویی، ۱۳۸۸).

مدیریت واحد تجاری بعنوان تهیه کننده صورت های مالی و ارائه دهنده اطلاعات در خصوص عملکرد مالی، مورد قضاوت واقع می شود. لذا با انعکاس عملکرد مناسب واحد تجاری، سرمایه گذاران و حامیان بیشتری جلب میکند. چرا که عملکرد واحد تجاری بر اساس مبانی مختلف، مورد توجه سرمایه گذاران واقع می گردد (ملک حسینی، ۱۳۹۴).

پیشینه تحقیق

لی یانگ و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله ای با عنوان، نقش نسبت های مالی و ویژگی های حاکمیت شرکتی در پیش بینی ورشکستگی با بررسی رابطه نسبت های مالی و ویژگی های حاکمیت شرکتی (ساختار هیأت مدیره، ساختار مالکیت، قوانین مربوط به جریان وجوه نقد، وجود کارکنان کلیدی) دریافتند که مهمترین ویژگی های حاکمیت شرکتی برای پیش بینی ورشکستگی ساختار هیأت مدیره و ساختار مالکیت هستند و این دو ویژگی در ارتباط معناداری با ورشکستگی می باشند.

المنصور^۱ (۲۰۱۵) در تحقیق خود بر اساس مدلی تجربی، به پیش بینی ورشکستگی مالی پرداخت. ایشان در تحقیق خود که در سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۰ در اردن انجام داد به این نتیجه دست یافت که نسبت های سرمایه در گردش به کل دارایی ها، دارایی های جاری به بدهی های جاری، ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری بدهی ها، سود انباشته به کهل دارایی ها و فروش به کل دارایی ها، معیارهای خوب و با اهمیتی برای پیش بینی ورشکستگی در اردن هستند.

الکسار و سویلیو^۲ (۲۰۱۴) در تحقیق خود به ارزیابی رابطه بین عملکرد مالی سازمانی و ورشکستگی شرکت ها در اردن پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که آنان بدنبال ایجاد و بکارگیری مدلی ریاضی بعنوان معیاری برای عملکرد مالی سازمانی و مشابه با شکست مالی بودند. هم مقدار عملکرد مالی و هم مقدار شکست مالی برای بررسی همبستگی و ارزیابی از طریق نمودار نسبت های منتخب شرکت ها مورد ارزیابی قرار گرفت. مدل های عملکرد جامع در ارزیابی فرآیند این شرکت ها مورد نیاز هستند، هم معیارهای مالی و هم معیارهای غیرمالی بعنوان مکمل یکدیگر. این بدان دلیل است که عدم بکارگیری چنین معیارهایی، ممکن است نتایج غیرقابل اعتمادی به بار آورد.

کارشناسان و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر بحران مالی داخلی بر عملکرد بانک ها و فعالیت های غیرعملیاتی پرداخته اند. درماندگی مالی بانک ها مسئله ای جدی برای حیات اقتصادی کشورهاست. هزینه های فردی و اجتماعی بحران های مالی موجب می شود که پژوهشگران به بررسی آثار بحران های مالی بر ابعاد مختلف عملکرد مؤسسه های تجاری بپردازند. این مقاله با بررسی اثر بحران مالی داخلی بر عملکرد بانک ها براساس مدل CAMEL در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ در پی پاسخ به این پرسش است که آیا بحران های مالی تأثیری بر عملکرد بانک ها داشته است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا بانک ها برای بهبود عملکرد خود و خروج از بحران مالی به فعالیت های غیرعملیاتی روی آورده اند؟

¹ Almansour

² Al-Kassar & Soileau

نمونه آماری این پژوهش شامل ۹ بانک تجاری است که به شرط دارا بودن شرایط پژوهش انتخاب شده‌اند. در صورت وجود یکی از این شرایط بانک با بحران روبه‌روست: داشتن زیان در سه سال متوالی (زیان عملیاتی، زیان خالص یا زیان انباشته)، کاهش سود تقسیمی هر سال نسبت به سال پیش به میزان بیش از ۴۰ درصد و مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت بودن شرکت‌های مورد بررسی.

نتایج پژوهش با استفاده از مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بحران مالی تنها با سودآوری رابطه منفی و معنادار دارد و با دیگر شاخص‌های ارزیابی عملکرد رابطه معناداری ندارد. همچنین، فرضیه ششم پژوهش نشان می‌دهد که بانک‌ها با افزایش بحران مالی به فعالیت‌های غیرعملیاتی روی نمی‌آورند.

کوه شکن و خدامرادی (۱۳۹۷) به بررسی نقش حسابرِس، کیفیت حسابرِس و حسابداری در بحران مالی پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که بحران مالی وضعیتی است که درصد قابل توجهی از ارزش برخی دارایی‌ها به صورت غیرمنتظره از دست برود. در اقتصاد جهانی شده، حسابرِس و حسابداری به عنوان ابزاری برای مدیریت صحیح منابع اقتصادی عمل می‌کنند در طول بحران مالی اخیر انتقاداتی در مورد حسابداری مطرح شد که باید با دقت مورد بررسی قرار گرفت هدف این مقاله، نقش حسابداری و حسابرِس در بحران مالی، بحران پولی بانک‌ها و توسعه اقتصادی است که به ارتباط آن‌ها پرداخته شد نتیجه شد رابطه معناداری بین حسابداری و حسابرِس و بحران مالی، بحران پولی بانک‌ها و توسعه اقتصادی است.

جامعی (۱۳۹۴) در بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی روی بحران مالی بانک‌های ایران به این نتایج رسیده است که بین نسبت اعضای غیر موظف با بحران مالی ارتباط وجود ندارد. بین کمیته حسابرِس با بحران مالی ارتباط معنادار و معکوس وجود دارد. بین درصد مالکیت دولتی با بحران مالی ارتباط معنادار و هم جهت وجود دارد. بین سهامداران نهادی با بحران مالی ارتباط معنادار و معکوس وجود دارد. بین کمیته ریسک با بحران مالی ارتباط معنادار و معکوس وجود دارد. زراعتی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر بحران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق فرض وجود رابطه معنی دار بین استقلال هیئت مدیره و بحران مالی را نپذیرفته است، فرض صفر فرضیه دوم رد و فرض مقابل مبنی بر وجود رابطه معنی دار بین مالکیت سهامداران و بحران مالی پذیرفته می‌شود. فرض مبنی بر وجود رابطه معنی دار بین وجود کمیته حسابرِس و بحران مالی پذیرفته نمی‌شود.

امیری (۱۳۹۴) به بررسی نقش حسابداری و حسابرِس در بحران‌های اقتصادی شرکت‌های سهامی پرداخته است. امروزه با توجه به نتایج حاصل از بحران‌های اقتصادی و در نظر گرفتن نقش و جایگاه حسابرِس در گزارشگری و روش‌های حسابداری می‌توان بیان کرد که نسبت به وجود چنین بحرانی، فشار قابل توجهی از طرف ذینفعان متعدد به گزارشات و اطلاعات مالی حسابرِس شده آمده است. همچنین با توجه به این موضوع، رسوایی‌های اخیر شرکت‌های بزرگ در جهان قابل توجه شده است. حسابداری و حسابرِس هر دو به عنوان دو عامل بسیار با اهمیت و تاثیرگذار در بحران‌های مالی شرکت‌های ورشکسته می‌باشند که با یک حاکمیت قوی در کشور و کوچکتر از آن در شرکت‌ها می‌توان بحران‌های مالی در کشور و حتی شرکت‌ها را کنترل کرده و کاهش داد.

سعیدی و کلاتی (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی رابطه بین نتایج مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج گویای وجود رابطه معنادار بین مدل پیش‌بینی

ورشکستگی آلتمن و تافلر با معیار اول عملکرد مالی تحقیق بود. همچنین رابطه مثبت و معناداری بین متغیر کنترل اول با معیارهای عملکرد مالی مشاهده شد ولی برای متغیر کنترل دوم، رابطه معناداری مشاهده نشد. خدامرادی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی رابطه بین عملکرد مالی و پیش بینی ورشکستگی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق حاضر که در قالب سه فرضیه تاثیر عملکرد مالی (نسبت جاری، نسبت بدهی و نسبت گردش دارایی ها بعنوان متغیرهای نماینده ارزیابی عملکرد شرکت) شرکت ها را بر پیش بینی ورشکستگی شرکت ها را مورد بررسی قرار داده نتایج حاکی از این است که بین نسبت گردش دارایی ها و نسبت جاری بعنوان معیارهایی از ارزیابی عملکرد شرکت ها و پیش بینی ورشکستگی رابطه مثبت و معناداری و همچنین بین نسبت بدهی و پیش بینی ورشکستگی رابطه منفی و معناداری وجود دارد و مدیران شرکت ها می توانند با بالابردن میزان گردش دارایی ها و نسبت جاری و کاهش میزان بدهی های خود سبب ارتقاع سودآوری و متعاقب با آن دور شدن از ورشکستگی و با رونق به فعالیت خود ادامه دهند.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از جهت روش شناسی از نوع شبه تجربی و پس رویدادی و توصیفی و از حیث هدف کاربردی است؛ بنابراین با استفاده از الگوی رگرسیون چندمتغیره به روش همبستگی آزمون فرضیه های تحقیق انجام می شود. مباحث تئوریک تحقیق از منابع مختلف مانند کتب، نشریات و مقالات داخلی و خارجی که از پایگاه های اینترنتی یا کتابخانه های معتبر جمع آوری شده است. اطلاعات و داده های خام مورد نیاز شرکت ها برای بررسی فرضیات پژوهش از نرم افزارهای ره آورد نوین، تدبیرپرداز و مراجعه مستقیم به تک تک صورت های مالی شرکت ها در لوح های فشرده منتشر شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران و وب سایت کدال جمع آوری شده است. حجم نمونه در سراسر مشخصات رگرسیون (OLS) آزمون فرضیه استفاده شده است.

در این پژوهش، داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار Excel13، در قالب فایل های اطلاعاتی، تهیه، سپس متغیرهای مورد نظر محاسبه و در نهایت پس از سنجش اعتبار مدل، محاسبات آماری و برآوردها، با استفاده از نرم افزارهای، Eviews8 و Stata13 انجام شده است.

جامعه آماری نمونه، کلیه بانک ها، موسسات اعتباری و سایر نهادهای پولی، شرکت های واسطه گری مالی و سرمایه گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که به روش حذفی و با اعمال شرایط زیر، انتخاب گردیدند: ۱. شرکت در سال ۱۳۹۳، یا قبل از آن، در بورس اوراق بهادار تهران، پذیرفته شده باشند؛ ۲. سال مالی شرکت ها، پایان اسفندماه هر سال باشد؛ ۳. در دوره مورد بررسی، سال مالی خود را تغییر نداده باشند؛ ۴. اطلاعات دوره ۵ ساله مورد نیاز (۱۳۹۳-۱۳۹۷) برای محاسبه متغیرهای مورد استفاده در پژوهش، در دسترس باشد.

با در نظر گرفتن شرایط فوق، در مجموع ۴۱ بانک ها، موسسات اعتباری و سایر نهادهای پولی، شرکت های واسطه گری مالی و سرمایه گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار به عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب گردید.

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مبانی و پیشینه فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر قابل تدوین است:

۱. در شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانکها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابرسی داخلی، بر بحران مالی موسسات اثر منفی دارد.
۲. در شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانکها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه بین عملکرد و بحران مالی موسسات معنادار است.
۳. در شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانکها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نقش حسابرسی داخلی بر رابطه بین عملکرد و بحران مالی موسسات معنادار است.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته و نحوه محاسبه آن:

برای محاسبه بحران مالی در بانک از مدل آلتمن مخصوص بنگاه‌های خدماتی استفاده می‌شود.

مدل آلتمن^۱

مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی یکی از فنون و ابزارهای پیش‌بینی وضع آینده‌ی شرکت‌ها است. در این مدل‌ها، احتمال وقوع ورشکستگی با گروهی از نسبت‌های مالی که با هم ترکیب شده‌اند تخمین زده می‌شود. ادوارد آلتمن نخستین فردی است که مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی را عرضه کرد. در سال ۱۹۶۸ وی ابتدا مدل Z را عرضه کرد. سپس در سال‌های بعد با رفع اشکالات مدل Z مدل Z' را ارائه داد: مدل Z' اصلاح شده‌ی مدل Z است. به دلیل این که این دو مدل مختص شرکت‌های تولیدی است آلتمن در سال‌های بعد مال Z" را برای پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌های غیرتولیدی ارائه کرد.

مدل نمره‌ی Z"

از آنجا که آلتمن به هنگام صورت‌بندی مدل‌های Z، Z' توجهی خاصی به شرکت‌های تولیدی داشت، از این رو این مدل‌ها نیز عمدتاً برای شرکت‌های تولیدی کاربرد دارند و این از نقاط ضعف این مدل‌ها به شمار می‌رود. آلتمن در ادامه‌ی مطالعات خود کوشید مدلی جداگانه برای پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌های غیر تولیدی و خدماتی به دست دهد. آلتمن پس از مطالعه‌ی فراوان، مدل Z" را صورت‌بندی کرد. وجه تفاوت مدل Z" با دو مدل قبلی، حذف نسبت فروش به کل دارایی (X₅) و سپس تغییر در ضرایب و حدود مدل است.

$$Z'' = x_1 + x_2 + x_3 + x_4$$

که در آن:

کل دارایی / سرمایه در گردش = x_1 ، کل دارایی / سود انباشته = x_2 ، کل دارایی / درآمد قبل از بهره و مالیات = x_3 و

کل بدهی / ارزش بازاری حقوق صاحبان سهام = x_4

متغیر مستقل و نحوه محاسبه آن:

حسابرسی داخلی: متغیر مجازی است در صورت نبودن واحد حسابرس داخلی، صفر و در غیر این صورت، یک می‌باشد.

¹ Altman

متغیرهای کنترلی و نحوه محاسبه آنها:

اندازه شرکت (size): در این پژوهش اندازه شرکت متغیر کنترلی است که برای محاسبه آن از لگاریتم طبیعی دارایی ها استفاده می شود. استفاده از لگاریتم برای از بین بردن حالت غیر خطی داده های مربوط به اندازه شرکت بوده است. حالت غیر خطی داده ها به این دلیل به وجود می آید که ارزش دارایی های شرکت ها بسیار پراکنده است و استفاده از لگاریتم باعث تسهیل بررسی ها می شود (دستگیر و همکاران، ۱۳۸۹).

اهرم مالی (LEV): در این پژوهش اهرم مالی شرکت متغیر کنترلی است این نسبت درصد وجوهی را نشان می دهد که از طریق بدهی ها تأمین شده است. اگر بازده حاصل از آن بیشتر از هزینه بدهی باشد، استفاده از اهرم به نفع مالکین است ولی اعتبار دهندگان نسبت بدهی پایین را ترجیح می دهند، زیرا در صورت بالا بودن این نسبت و ورشکستگی شرکت، خطر تحمل زیان آن ها بیشتر است. معمولاً وقتی نسبت پایین است شرکت شرایط بهتری دارد مگر در شرایطی که بده های شرکت مربوط به وام های طرح توسعه و ... باشد. برای محاسبه آن از نسبت بدهی ها به خالص دارایی ها استفاده شده است.

الگوی پژوهش

در این پژوهش از الگوی رگرسیونی آلتمن استفاده شده است که الگوی هر فرضیه به شرح زیر است:
الگوی فرضیه ۱:

$$Zit = \alpha_0 + \alpha_1 IA_{it} + Controls + \varepsilon$$

الگوی فرضیه ۲:

$$Zit = \alpha_0 + \alpha_1 CR_{it} + Controls + \varepsilon$$

الگوی فرضیه ۳:

$$Zit = \alpha_0 + \alpha_1 IA_{it} + \alpha_2 CR_{it} + \alpha_3 (CR * IA)_{it} + Controls + \varepsilon$$

تجزیه و تحلیل و یافته های پژوهش

در این پژوهش به منظور بررسی فرضیه پژوهش و تعیین وجود رابطه معنی داری بین متغیرهای مستقل و وابسته علاوه بر استفاده از تحلیل های توصیفی مناسب، از رگرسیون چند متغیره به نمایندگی از تحلیل های استنباطی به صورت زیر کمک گرفته می شود.

آمار توصیفی

جدول ۱. آمار توصیفی

نتایج	ماکزیمم	مینیمم	شاخص های پراکندگی			شاخص های مرکزی		متغیر / آماره توصیفی
			کشیدگی	چولگی	انحراف معیار	میانگین	میانه	
نرمال نیست.	۱	۰	-	-	-	۱	-	حسابرسی داخلی*
نرمال نیست.	۲۱/۶۵	۰/۴۹۰	۵/۲۷۱	۳۹/۰۵۹	۲/۲۲۲	۱	۱/۶۸۰	عملکرد مالی
نرمال نیست.	۲۱/۰۹۳	۱۰/۱۵۸	۲/۸۱۶	-۰/۱۳۱	۲/۳۸۱	۱۶/۱۵۵	۱۶/۳۴۵	اندازه شرکت
نرمال نیست.	۱/۹۷۰	۰/۰۴۳	۴/۰۲۲	۰/۰۸۷	۰/۳۴۳	۰/۷۹۴	۰/۶۸۰	اهرم مالی
نرمال نیست.	۲۲/۷۵	-۱/۳۶	۱۲/۴۸۴	۲/۷۷۷	۳/۵۶۷	۰/۳۶	۱/۹۲۵	بحران مالی

فرضیه صفر: متغیر موردنظر نرمال است.
فرضیه یک: متغیر موردنظر نرمال نیست.
*تنها شاخص برای متغیرهای اسمی، شاخص میانه است.

انتخاب الگوی رگرسیونی

نگاره (۲)، برای تعیین همگنی و یا ناهمگنی بین مشاهدات و متعاقب آن انتخاب الگوی داده تلفیقی و یا داده تابلویی با رویکرد مدل اثرات ثابت از آزمون بروش پاگان استفاده شده است؛ اما از آنجایی که درالگوی داده تابلویی علاوه بر رویکرد اثرات ثابت، رویکرد اثرات تصادفی نیز وجود دارد از این رو در صورت رد فرضیه صفر در آزمون بروش پاگان، لازم است مدل مورد نظر از منظر استفاده و یا عدم استفاده از رویکرد اثرات تصادفی نیز مورد آزمون قرار گیرند تا از قابلیت اتکا اطمینان حاصل شود. به همین منظور در این پژوهش در جهت رفع این مسئله از آزمون تصریح هاسمن کمک گرفته شده است.

جدول ۲. انتخاب الگوی رگرسیونی

خلاصه نتایج از آزمون‌های آماري	آزمون هاسمن			آزمون بروش پاگان			
	نتیجه آزمون	سطح معنی داری	آماره هاسمن	نتیجه آزمون	سطح معنی داری	آماره بروش پاگان	الگوهای رگرسیونی
رویکرد اثرات ثابت	رد فرضیه صفر	۰/۰۱۰۱	۱۱/۳۱۹	رد فرضیه صفر	۰/۰۱۰۶	۶/۵۲۳	فرضیه ۱
الگوی تلفیقی	-	-	-	تأیید فرضیه صفر	۰/۰۰۹۶	۶/۷۰۲	فرضیه ۲
رویکرد اثرات ثابت	رد فرضیه صفر	۰/۰۰۰۰	۳۱/۰۲۲	رد فرضیه صفر	۰/۰۰۲۵	۹/۱۳۵	فرضیه ۳
فرضیه صفر: استفاده از رویکرد اثرات تصادفی				فرضیه صفر: استفاده از الگوی داده تلفیقی			
فرضیه یک: استفاده از رویکرد اثرات ثابت				فرضیه یک: استفاده از الگوی داده ترکیبی با رویکرد اثرات ثابت			

منبع: یافته‌های تحقیق

آمار استنباطی

فرضیه ۱: در شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، وجود حسابرسی داخلی منجر به کاهش بحران مالی موسسات می‌شود.

همان‌طور که در جدول ۳، مشاهده می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که مدل رگرسیون برآورد شده، در کل معنادار است. از سوی دیگر ضریب تعیین، برابر ۹۰ درصد است، که این امر بیانگر آن است که حدوداً ۹۰ درصد از تغییرپذیری در متغیر وابسته را می‌توان به‌وسیله این الگوی رگرسیون توضیح داد.

نتایج نشان می‌دهد که رابطه بین حسابرسی داخلی و بحران مالی منفی و معنی‌دار است. به عبارت دیگر با افزایش حسابرسی داخلی، بحران مالی کاهش می‌یابد. با توجه به این که آماره مربوط به حسابرسی داخلی ($\alpha 1$) برابر ۴/۶۳۳- و احتمال آن کمتر از سطح

اطمینان ۱ درصد است، می توان گفت که فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر حسابرسی داخلی بر بحران مالی مورد تأیید است و با سطح اطمینان ۹۹ درصد، رابطه بین حسابرسی داخلی و بحران مالی منفی و معنی دار است. متغیر کنترلی اندازه شرکت و متغیر کنترلی اهرم مالی با بحران مالی با سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معکوس و معنی داری دارند.

جدول ۳. نتیجه آزمون فرضیه ۱

متغیر وابسته: بحران مالی			دوره مورد بررسی: ۱۳۹۷-۱۳۹۳	
تعداد شرکت: ۴۱			تعداد کل مشاهدات پنل: ۲۰۵	
متغیر	نماد	ضریب	آماره t	احتمال آماره
حسابرسی داخلی	IA	-۰/۲۷۶	-۴/۶۳۳	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	LNSIZE	-۰/۰۶۷	-۰/۸۰۹	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۴/۲	-۱۳/۲	۰/۰۰۰۰
مقدار ثابت	α_0	۱۳/۵۰۳	۱۷/۰۹۴	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین: ۰/۹۰			R^2 ضریب تعدیل شده: ۰/۸۸	
آماره دوربین واتسون: ۱/۹۱		آماره F: ۳۴/۸۵۸	احتمال آماره F: ۰/۰۰۰۰۱	

منبع: یافته های تحقیق

لذا این ضریب بیانگر رابطه معنادار بین عملکرد و بحران مالی می باشد؛ بنابراین آزمون فرضیه مورد تأیید واقع می شود. میزان آماره دوربین واتسون ۱/۹۱ می باشد، چون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، نشان می دهد همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد.

فرضیه ۲: در شرکت های سرمایه گذاری، بانک ها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه بین عملکرد و بحران مالی موسسات معنادار است.

همان طور که در جدول ۴، مشاهده می شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که مدل رگرسیون برآورد شده، در کل معنادار است. از سوی دیگر ضریب تعیین، برابر ۷۳ درصد است، که این امر بیانگر آن است که حدوداً ۷۳ درصد از تغییر پذیری در متغیر وابسته را می توان به وسیله این الگوی رگرسیون توضیح داد.

نتایج نشان می دهد که رابطه بین عملکرد و بحران مالی معنی دار است. با توجه به این که آماره مربوط به عملکرد مالی (۱ α) برابر ۰/۰۶۹ و احتمال آن کمتر از سطح اطمینان ۱ درصد است، می توان گفت که فرضیه تحقیق مبنی بر رابطه بین عملکرد و بحران مالی مورد تأیید است و با سطح اطمینان ۹۹ درصد، رابطه بین عملکرد و بحران مالی مثبت و معنی دار است.

متغیر کنترلی اندازه شرکت و متغیر کنترلی اهرم مالی با بحران مالی با سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معکوس و معنی داری دارند.

جدول ۴. نتیجه آزمون فرضیه ۲

متغیر وابسته: بحران مالی			دوره مورد بررسی: ۱۳۹۷-۱۳۹۳	
تعداد شرکت: ۴۱			تعداد کل مشاهدات پنل: ۲۰۵	
متغیر	نماد	ضریب	آماره t	احتمال آماره
عملکرد مالی	CR	۰/۶۶۷	۰/۰۶۹	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	LNSIZE	-۰/۱۴۷	-۲/۱۸۸	۰/۰۲۹۸
اهرم مالی	LEV	-۵/۲۴۱	-۱۱/۱۱۲	۰/۰۰۰۰
مقدار ثابت	α_0	۶/۷۸۴	۶/۲۸۸	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین: ۰/۷۳		R^2 ضریب تعدیل شده: ۰/۷۲		
آماره دوربین واتسون: ۱/۸۵		آماره F: ۱۸۴/۷۵۷ احتمال آماره F: ۰/۰۰۰۰۱		

منبع: یافته‌های تحقیق

لذا این ضریب بیانگر رابطه معنادار بین عملکرد و بحران مالی می‌باشد؛ بنابراین آزمون فرضیه مورد تأیید واقع می‌شود. میزان آماره دوربین واتسون ۱/۸۵ می‌باشد، چون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، نشان می‌دهد همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد.

فرضیه ۳: در شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانکها و موسسات مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نقش حسابرسی داخلی بر رابطه بین عملکرد و بحران مالی موسسات معنادار است.

همان‌طور که در جدول ۵، مشاهده می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که مدل رگرسیون برآورد شده، در کل معنادار است. از سوی دیگر ضریب تعیین، برابر ۷۳ درصد است، که این امر بیانگر آن است که حدوداً ۷۳ درصد از تغییرپذیری در متغیر وابسته را می‌توان به وسیله این الگوی رگرسیون توضیح داد.

نتایج نشان می‌دهد که نقش حسابرسی داخلی بر رابطه بین عملکرد و بحران مالی معنی‌دار است. به عبارت دیگر با افزایش حسابرسی داخلی، بحران مالی کاهش می‌یابد. با توجه به این که آماره مربوط به عملکرد مالی (۱) برابر ۳/۸۳۲ و احتمال آن کمتر از سطح اطمینان ۱ درصد است، می‌توان گفت که فرضیه تحقیق مبنی بر نقش حسابرسی داخلی بر رابطه بین عملکرد و بحران مالی مورد تأیید است و با سطح اطمینان ۹۹ درصد، این نقش معنی‌دار است.

متغیر کنترلی اندازه شرکت و متغیر کنترلی اهرم مالی با بحران مالی با سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معکوس و معنی‌داری دارند.

جدول ۵. نتیجه آزمون فرضیه ۳

متغیر وابسته: بحران مالی			دوره مورد بررسی: ۱۳۹۷-۱۳۹۳	
تعداد شرکت: ۴۱			تعداد کل مشاهدات پنل: ۲۰۵	
متغیر	نماد	ضریب	آماره t	احتمال آماره
عملکرد مالی	CR	۰/۳۶۱	۱۶/۷۰۵	۰/۰۰۰۰
حسابرسی داخلی	IA	۰/۰۲۰۴	۱/۹۶۸	۰/۰۵۱
تعديلگر عملکرد مالی و حسابرسی داخلی	CR* IA	۰/۱۲۸	۳/۸۳۲	۰/۰۰۰۲
اندازه شرکت	LNSIZE	-۰/۰۵۹	-۳/۸۵۶	۰/۰۰۰۲
اهرم مالی	LEV	-۱/۸۵۶	-۱۰۳/۸۲	۰/۰۰۰۰
مقدار ثابت	α_0	۳/۲۷۴	۱۲/۳۴۶	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین: ۰/۹۸			R^2 ضریب تعدیل شده: ۰/۹۸	
آماره دورین واتسون: ۲/۰۴		آماره F: ۱۹۷/۰۲۳	احتمال آماره F: ۰/۰۰۰۰۱	

منبع: یافته‌های تحقیق

لذا این ضریب بیانگر تأثیر معنادار بر رابطه بین عملکرد و بحران مالی می‌باشد؛ بنابراین آزمون فرضیه مورد تأیید واقع می‌شود. میزان آماره دورین واتسون ۲/۰۴ می‌باشد، چون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، نشان می‌دهد همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

پیش بینی آینده از اصلی ترین دغدغه‌های انسان در طول تاریخ بوده است و همیشه سعی کرده است که با پیش بینی آینده آن را مطابق میل خود سازد. با پیشرفت علم و فناوری، انسان‌های امروزی با استفاده از توانایی‌های عقلانی درصدد پیش‌بینی آینده برآمدند و از پیشرفت علم در این راستا بهره جستند. پس از دستیابی به توانایی‌های علمی پیش بینی و استفاده بهتر از این پیش بینی، تکمیل این توانایی را وجهه همت خود ساختند و با آینده نگری و کشف ویژگی‌های مختص آن، امکان برنامه‌ریزی برای آینده و تصمیم گیری را فراهم کردند. اطلاعات مالی اگر چه گذشته نگر است، اما ادعا می‌شود که برای پیش بینی آینده سودمند باشد. میزان وقوع بحران‌های مالی در جهان در سال‌های اخیر بیش از هر زمان است. در دو دهه اخیر ارقام و اعداد اقتصادی نشان دهنده افزایش بی سابقه میزان ورشکستگی‌ها است. وجود بحران‌های مالی در یک کشور شاخص اقتصادی مهمی است و توجه عموم را به خود جلب می‌کند. همچنین، هزینه‌های اقتصادی ورشکستگی نیز بسیار زیاد است؛ بنابراین، توانایی پیش بینی بحران مالی و جلوگیری از وقوع آن از اهمیت اساسی برخوردار است و از تخصیص نامناسب منابع کمیاب اقتصاد جلوگیری می‌کند (محسن دستگیر و سجادی ۱۳۸۹).

طبق نتایج آزمون رگرسیون، می‌توان گفت که حسابرسی داخلی می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر کاهش بحران مالی، مدنظر قرار گیرد. نتیجه این آزمون با نتایج تحقیقات جامعی (۱۳۹۴) مطابقت دارد؛ و با نتیجه تحقیقات متشکر و همکاران (۱۳۹۴)، زراعتی و همکاران (۱۳۹۴) مطابقت ندارد.

نتایج در این تحقیق حاکی از این است که بین نسبت جاری بعنوان معیارهایی از ارزیابی عملکرد شرکت‌ها و بحران مالی رابطه مثبت و معناداری و همچنین بین نسبت بدهی و بحران مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد و مدیران شرکت‌ها می‌توانند با بالا بردن میزان نسبت جاری و کاهش میزان بدهی‌های خود سبب ارتقاع سودآوری و متعاقب با آن دور شدن از ورشکستگی و با رونق به فعالیت خود ادامه دهند.

نتایج بدست آمده از این تحقیق با تحقیق الکسار و سویلیو (۲۰۱۴) و ویلسون و هراندز (۲۰۱۳)، سعیدی و کلاتی (۱۳۹۴) و خدامرادی و همکاران (۱۳۹۴) مطابقت دارد. دارایی‌ها به شکل سرمایه حبس شده در شرکت محسوب می‌شوند (آشوری، ۱۳۹۱). با توجه به ماهیت دارایی‌های جاری و توجه به مراحل تحقق ورشکستگی (مرحله نبود قدرت پرداخت دیون مالی یا تجاری)، شرکت هنوز قادر به تحصیل وجه کافی از کانال‌های مصرف است. چراکه مدیریت ابزارهای مناسبی همچون؛ استفاده از افراد حرفه‌ای مالی یا تجاری، کمیته اعتباردهنده و تجدید ساختار در تکنیک‌های تأمین مالی را در اختیار دارد. از طریق این روش‌ها هنوز هم می‌توان مشکل بحران مالی را در این مرحله شناسایی و برطرف کرد.

منابع

۱. آشوری، سعید. (۱۳۹۱). ارزیابی تطبیقی نتایج پیش‌بینی ورشکستگی با مدل شیراتا و کارایی شرکت‌ها با مدل تحلیل پوششی داده‌ها در بورس تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان.
۲. امیری، صبا. (۱۳۹۴). نقش حسابداری و حسابرسی در بحران‌های اقتصادی شرکت‌های سهامی، چهارمین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت، تهران، شرکت خدمات برتر.
۳. بهشتی لنگرودی، احمد. (۱۳۹۰). رابطه حاکمیت شرکتی و بحران مالی موسسات واسطه گر مالی، مجموعه مقالات بیست و سومین همایش بانکداری اسلامی.
۴. پاکرام، عسگر؛ متوسل، مرتضی و توحیدی، فرحناز. (۱۳۹۱). حسابرسی، بحران مالی و حاکمیت شرکتی: متمایز اما مرتبط، اولین همایش منطقه‌ای رویکردهای نوین حسابداری و حسابرسی، بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرگز.
۵. جامعی، پریسا. (۱۳۹۴). تأثیر حاکمیت شرکتی روی بحران‌های مالی شرکت‌ها و بانک‌های ایران، دومین کنفرانس سراسری پژوهش‌های مدیریت و مهندسی صنایع، شیراز، پردیس بین‌الملل توسعه ایده هزاره.
۶. جلالی، محبوبه و جلالی، فاطمه. (۱۳۹۲). تأثیر برخی مولفه‌های حاکمیت شرکتی بر ورشکستگی مالی شرکت‌ها، اولین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، شیراز، موسسه بین‌المللی آموزشی و پژوهشی خوارزمی،
۷. خدامرادی، محمد؛ نعمتی‌پور، نوید؛ شایسته، هادی و طاهری‌فرد، احمدرضا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین عملکرد مالی و پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پنجمین کنفرانس ملی و سومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت.

۸. ریاحی بلکویی، احمد. (۱۳۸۱). *تئوری حسابداری، ترجمه علی پارسائیان، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.*
۹. زراعتی، پروانه؛ صالحی، سهیل و عسگری، آزاده. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر بحران مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *سومین کنفرانس بین المللی پژوهشهای کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.*
۱۰. سعیدی، پرویز و کلاتی، مرصع. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین نتایج مدل های پیش بینی ورشکستگی و عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران، *پنجمین کنفرانس ملی و سومین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت.*
۱۱. صراف پور، حجتاله. (۱۳۹۴)، تجزیه و تحلیل عملکرد کسب و کار بانکی و ریسک بازار با استفاده از تحلیل پوششی فازی با رویکرد معیار کمکی (DEA-SBM)، *پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، تهران.*
۱۲. کمالی، منصور. (۱۳۹۱). ارزیابی کارایی مدل های مالی اسپرینگیت، زاوگین و فالمر در امکان پیش بینی ورشکستگی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان.*
۱۳. کارشناسان، علی؛ بهرامی نسب، علی و ممشلی، رضا. (۱۳۹۷). تأثیر بحران مالی داخلی بر عملکرد بانک ها و فعالیت های غیر عملیاتی، *جستارهای اقتصادی، دوره ۱۵، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صفحه ۹۳-۱۱۸.*
۱۴. کوه شکن، یاسمن و خدامرادی، محمد. (۱۳۹۷). نقش حسابرس، کیفیت حسابرسی و حسابداری در بحران مالی، *کنفرانس بین المللی مطالعات بین رشته ای در مدیریت و مهندسی.*
۱۵. ملک حسینی، عبدالرضا. (۱۳۹۴). بررسی عوامل موثر بر سودآوری (با رویکرد ریسک و عملکرد)، *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل.*
16. Adnan Aziz.M.& Humayon A.Dar. (2002). "predicting Bankruptcy". *Department of economics; Loughborough University.UK.*
17. Al-Kassar, T., Soileau, S.,J, (2014), "Financial performance evaluation and bankruptcy prediction" (failure), *Arab Economics and business Journal*, 9, pp 147-155.
18. Wilson, N, Hernandez Tinoco, M., (2013), "Financial distress and bankruptcy prediction among listed companies using accounting, market and macroeconomic variables", *International Review of Financial Analysis*, PP 394-419.
19. Almansour, B., Y.,. (2015). "Empirical Model for Predicting Financial Failure", *American Journal of Economics, Finance and Management*, Vol. 1, No. 3, 113-124.

The role of internal audit on the relationship between performance and financial crisis on banks, credit institutions, insurance and investment companies in Tehran Stock Exchange

Zeinab Nourifar¹

Arezoo Seyyed Rezaei^{*2}

Date of Receipt: 2020/09/02 Date of Issue: 2020/09/14

Abstract

The financial crisis is critical for financial institutions to be able to prevent it by identifying the factors affecting the financial crisis and to make appropriate decisions to get out of the crisis. Following the recent financial crisis, banking supervisors and central banks have come to the conclusion that weak corporate governance may play an important role in increasing the riskiness of the financial institution and thereby spreading the financial crisis. The purpose of this study is to investigate the role of internal audit on the relationship between performance and financial crisis in 41 financial intermediary institutions such as banks and insurance companies and investment firms in the period 2014-2018. Panel data analysis shows that there is a negative significant relationship between internal audit and financial crisis and there is a positive and significant relationship between performance and financial crisis and the role of internal audit on the relationship between performance and financial crisis is significant.

Keyword

Internal Audit, Financial Performance, Financial Crisis, Altman Model.

¹ MSC, Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran. (zsha.1366@yahoo.com)

² MSC, Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran. (*Corresponding Author: a.s.rezaee93@gmail.com).